

آقای ذوالنوری ممنون



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

بنازگی مجتبی ذالنوری، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در نشست در دانشگاه قم گفته است که «در موضوع بازنشستگی بعضی از نماینده‌ها متوجه نشدند و رأی دادند از جمله خود بنده» و بعد اشاره کرده که خطا و اشتباه خود را می‌پذیرد و ضمن دفاع از سامانه شفافیت آرای نمایندگان، اشاره کرده که می‌کوشد خطای خود را اصلاح کند. اخیر فی واقع، واقع امر، من هر موقع نام آقای ذوالنوری را می‌شنوم، به یاد آن حرکت عجیبش در آتش زدن برجام در صحن علنی مجلس می‌افتم. البته در اینکه او همفکرانش مخالفان جدی ابتکار دیپلماتیک حسن روحانی و محمدجواد ظریف بودند، تردیدی نبود و نیست. نمی‌دانم نگرانی او و دوستانش از سر محبوبیت احتمالی رقبای سیاسی در فضای داخلی بود یا از باب دغدغه نسبت به حفظ منافع ملی که از روز اول مذاکرات منجر به برجام با آن جنگیدند، اما به هر روی آنچه در آن صحنه و فیلم‌های موجود از آن، بیش از این اظهار نظرهای له و علیه برجام اهمیت دارد، نکته‌ای است که چندی پیش یکی از دوستان به زیبایی و در چند ثانیه برایم شرح داد: «آن نماینده‌ای که کاغذ برجام را در مجلس آتش زد برای ۱۰ ثانیه بعد حرکت خود نیز تمهیدی نیندیشیده بود. شما انتظار دارید برای آینده این مملکت طرحی داشته باشد؟» منظور دوست‌مان لحظه‌ای بود که آتش گز گرفت و نمایندگان خشمگین نمی‌دانستند با آن چه کنند. البته که واکنش غریزی آنها این بود که کاغذ را بر زمین مجلس بیاورند و با آن را خاموش کنند. علی لاریجانی، رئیس مجلس هم شاید در واکنش به همین ندانم کاری بود که طعنه‌آلود گفت: «مواظب باشید مجلس را آتش نزنید.»

از آن روزگار حالا ۵ سال گذشته. نه نشانی از روحانی و ظریف در سیاست ایران است، نه نامی از علی لاریجانی. گویی از پس آن آتش، همه دود شده‌اند و رفته‌اند هوا. روزی روز دایره دوستان و رفقای ذوالنوری در مجلس گسترده شده و اینک آنها دیگر نمی‌توانند از موضع اقلیت مظلوم در سیاست نقش‌نمایی کنند. قاعده کار همین است. وقتی اکثریت مجلس را در اختیار دارید و دولت نیز همسو است، مردم دیگر از شما انتظار چریک‌بازی ندارند. آنها شما را مسئول برآورده کردن مطالبات قانونی خود می‌دانند و هر کجا صدایشان برسد، احقاق حق خواهند کرد. شاید هم درک همین تغییر موقعیت باعث شده که چند ماه پیش دوباره نقل قولی از ذوالنوری در رسانه‌ها ما را متعجب کند: آنجا که گفته بود: «مذاکرات برجامی باید ادامه پیدا کند». باللعجب. خدایا چه روزهایی را نظاره می‌کنیم؟ این یکی واقعاً سورپرایز بود. نمی‌دانم شاید چند ماه دیگر سیدمحمدنویان هم که با ۶۰۰ هزار رأی، نفر اول انتخابات مجلس شهر تهران شده و از یاد نمی‌بریم مخالفت‌هایش را با برجام، از این حرف‌ها بزند.

بگذریم. قصدم عرضه تاریخ برجام تا فرجام در ایران نیست. غرضم چیز دیگریست. من این را که بالاخره ذوالنوری پذیرفته که او هم همچون هر انسان دیگری می‌تواند خطا کند، نشانه مثبتی می‌بینم. باور کنید مدت‌هاست دلم لک زده برای اینکه یک مسئول مملکتی در این کشور بگوید «من اشتباه کردم». یا اصلاً نه، بگوید مردم، ملت، «انا بشر مثلکم»، من هم یکی مثل شما، من هم یکی از شما، مزیتی در عقل و فهم و سواد و دانش و خلق و خو و مرام و معرفت بر سایر مردمان ندارم. صاحب قوه عصمت و کرامت هم نیستم. تنها فرقی این است که قرار بوده نماینده و وکیل شما در دولت، مجلس و دادگستری باشم و حالا اگر نگویم نوکر، لاف‌قل خدمتگزار شما هستم. این به راستی در ایران ما کیمیا شده. می‌گویند اغراق می‌کنی؟ پیشنهاد می‌کنم باری دیگر مرور کنید بازی ترکیبی چشم‌های زاکانی شهردار تهران را در مواجهه با پرسش‌های خبرنگاران. آنچه ذوالنوری گفته، خیلی ارزشمند است. مهم نیست که او پیش‌تر حرف‌های عجیب و غریبی زده و حرص‌مان را درآورده: از عقیم‌کنندگی پوشک‌های ساخت «دشمنان» تا توجیه تسلط «طالبان» بر افغانستان. گذشته‌ها گذشته. آقای ذوالنوری خیلی ممنون. به‌شخصه سپاسگزارم و در آخر یک استدعای ساده از شما دارم. در سخنرانی دانشگاه قم گفته‌اید که رفتم؛ بررسی کردیم و دیدیم اصلاً اشتباه متوجه شده بودیم. خواهش می‌کنم باری دیگر در قبالت مواضع‌تان در حوزه سیاست داخلی و خارجی و مسائل اجتماعی، به‌خصوص مصائب زنان بررسی دقیق‌تری داشته باشید. شما خط‌شکن مسئولیت‌پذیری مسئولان در ایران شوید و تمهیدی نه برای ۱۰ ثانیه بعد که برای ۱۰ سال بعد این مملکت داشته‌باشید.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمدجواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه پهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الهه ابراهیمی (خبر) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتورها) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی‌تبار • حرفه‌پژوهی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۴۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

مست عشق و حواشی يك پوستر

به نظر می‌رسد به بازیگران مطرح در طراحی پوستر بیشتر از روایت و محتوای فیلم توجه می‌شود



ندا زنگینه

خبرنگار فرهنگ

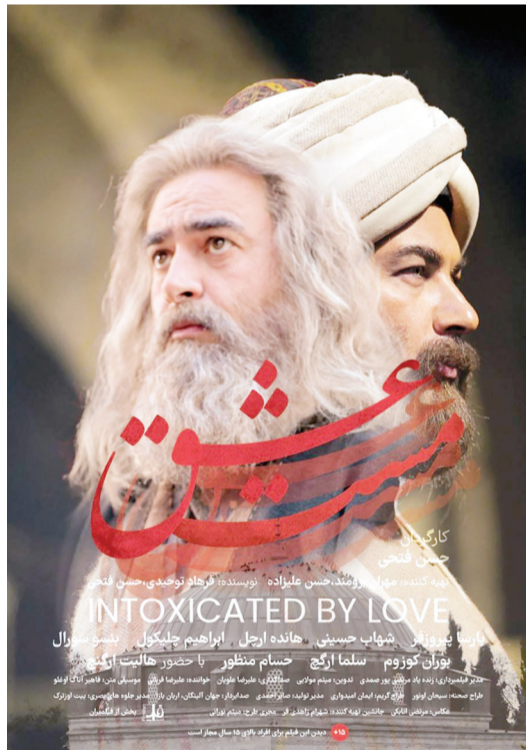
فیلم سینمایی «مست عشق»، پس از حدود ۵ سال، در نهایت ۵ اردیبهشت‌ماه در سینماها اکران شد. پروژه‌ای که از ابتدای شروع فیلمبرداری با حواشی زیادی دست‌وپنجه نرم کرده است. آخرین چالشی که «مست عشق» را درگیر کرد، پوستر این فیلم بود که انتقادات زیادی را نسبت به کیفیت پایین این اثر در پی داشت. برای بررسی این موضوع و به‌بهانه شروع اکران این فیلم، مروری بر روند کلی این پروژه داشتیم و با رامین رستمی، طراح پوستر این فیلم گفت‌وگو کردیم. او با اشاره به اینکه این پوستر در مدت زمان کمی طراحی شده است، گفت که پوستر اصلی طرف چندروز آینده رونمایی خواهد شد.

مروری بر حواشی «مست عشق»

شاید بتوان گفت فیلم «مست عشق» به کارگردانی حسن فتحی که مراحل تولید خود را از سال ۹۸ آغاز کرد، یکی از پرچالش‌ترین پروژه‌های سینمایی بوده که حواشی تا امروز نیز دست از سر این فیلم برنداشته است. از انتخاب بازیگر گرفته تا اختلاف با سرمایه‌گذار ترک و اکران و رونمایی از پوستر. اواخر شهریورماه سال ۹۸ اعلام شد که حسن فتحی قرار است فیلم «مست عشق»، داستان زندگی مولانا و شمس، را بسازد که مهران برومند، تهیه‌کنندگی این اثر را برعهده دارد و فرهاد توحیدی و حسن فتحی فیلمنامه آن را نوشته‌اند. هنوز خبرها درباره فیلم جدید حسن فتحی داغ بود که نام شهاب حسینی به‌عنوان بازیگر نقش «شمس تریزی» اعلام شد. نقش مقابل او یعنی نقش «مولانا» نیز به پارسا پیروزفر تعلق گرفت.

در تاریخ ۱۶ مهرماه سال ۹۸، فیلمبرداری «مست عشق» آغاز شد. هنوز خبر رسمی اتمام فیلمبرداری این اثر تمام نشده بود که ناگهان سروکله ویروس همه‌گیر کرونا در جهان پیدا شد، در نتیجه سرنوشت این اثر همچنان نامشخص ماند.

خبر نیمه‌کاره ماندن این فیلم اعلام شده بود، اما از طرفی ویدئویی از سکانس‌های تازه «مست عشق» منتشر و از سوی روابط عمومی سرمایه‌گذار ترک فیلم اعلام شد که تدوین نهایی به پایان رسیده و در آذرماه سال ۹۹ و در هفته جهانی مولانا، پخش جهانی آن آغاز خواهد شد. همچنین اعلام شد که این فیلم قرار است در قالب یک مینی‌سریال ۸ قسمتی پخش شود. کارگردان این فیلم در واکنش به این اتفاق گفت که هرگونه دخل و تصرف در تدوین و امور فنی فیلم، واجد پیگرد قانونی است. پس از گذشت چند ماه از اعلام خبر پخش «مست عشق» در قالب سریال از یک‌شبکه ماهواره‌ای و جنجال‌هایی که در پی داشت، فرهاد توحیدی، نویسنده فیلمنامه این فیلم با انتشار تصویری از یک‌نامه از حل اختلاف سرمایه‌گذاران ایرانی و ترک «مست عشق» خبر داد. در نهایت خبر اکران این فیلم به‌صورت هم‌زمان در ایران و ترکیه اعلام شد که خبر شوکه‌کننده‌ای بود، یعنی انتظارها برای تماشای مولانا و شمس تریزی در پرده سینما به پایان رسیده است و عاقبت این فیلم، ختم به اکران می‌شود. این فیلم ابتدا قرار بود که از عید فطر (۲۲ فروردین‌ماه) اکران شود اما به ۲۹ فروردین‌ماه موکول شد. اما این پایان ماجرا نبود و اکران فیلم یک‌هفته به تعویق افتاد. این در حالی است که «مست عشق» ماه‌ها به‌صورت کامل آماده اکران بوده است. در نهایت پس از تعویق یک‌هفته‌ای در نمایش فیلم «مست عشق»، این فیلم از پنج اردیبهشت‌ماه با تعیین رده‌بندی سنی بالای ۱۵ سال، روی پرده سینماها رفت و پیش‌فروش بلیت‌های این فیلم نیز از چندروز پیش آغاز شده است.



کارگردان فیلم «مست عشق» حسن فتحی است. تصویر: روابط عمومی فیلم «مست عشق»

پوستری که حاشیه‌ساز شد

پوستر رسمی این فیلم به فاصله چندروز پیش از آغاز اکران عمومی، رونمایی شد. این در حالی است که به نظر می‌رسد پوستر که به‌نوعی اولین مواجهه مخاطبان با فیلم است، در قدم اول با شکست مواجه شده است. از چندروز پیش مخاطبان و طراحان مختلفی نسبت به این طرح واکنش‌های منفی نشان داده‌اند. رامین رستمی، طراح پوستر «مست عشق» به «هم‌میهن» گفت: ما برای طراحی این پوستر زمان کمی، در حد چند روز داشتیم و قرار شد که برای پیش‌فروش فیلم، یک طرح اولیه از پوستر رونمایی کنیم تا پوستر اصلی فیلم کمی بعدتر ارائه شود. احتمال دارد که این پوستر اصلی هفته آینده رونمایی شود و طرح متفاوتی دارد. همچنین قرار است یک پوستر بین‌المللی هم برای این فیلم طراحی کنیم.

طبیعتاً به دلیل فرازونشیب‌هایی که این پروژه در بازه زمانی ۵ ساله طی کرده، توجه مخاطبان زیادی را به خود معطوف کرده است. در این شرایط رونمایی از یک پوستر که به‌عنوان پیش‌طرح ارائه شده است، تصمیم عجیبی به نظر می‌رسد. رستمی در این رابطه گفت: «مست عشق» پروژه بزرگی است و طبیعتاً نمی‌توان همه را راضی نگه داشت. فکر می‌کنم حتی پوستر اصلی هم با انتقاداتی مواجه شود و این طبیعی است. ما وقتی سفارش دهنده داریم باید نهایتاً تهیه‌کننده و کارگردان در وهله اول پوستر را بیسندند که این اتفاق هم افتاد. محدودیت‌هایی هم داشتیم مانند لوگوتایپی که برای این فیلم طراحی شده بود و باید در پوستر نیز از همان لوگوتایپی استفاده می‌کردیم. فکر می‌کنم پوستر وظیفه اطلاع‌رسانی خود را انجام داده است، اما مسلماً نقص‌هایی دارد و من هم این موضوع را قبول دارم.

بازیگرمحور بودن، یکی از آفت‌های بزرگی است که گریبان پوستر فیلم‌های سینمایی و سریال‌های ما را گرفته است. گویا طراحان فارغ از توجه به روایت و کانسپت فیلم، پوستر را با محوریت بازیگران شاخص اثر طراحی می‌کنند. مسئله‌ای که در پوستر «مست عشق» نیز به چشم می‌خورد. اکثر انتقادات از پوستر «مست عشق» نیز مبنی بر این است که بدون خلاقیت طراحی شده و صرفاً عکس بازیگر این فیلم در کنار هم قرار گرفته است. گویا طراح، بدون تماشای این فیلم، دست به طراحی زده است. رستمی در این باره توضیح داد: «من فیلم «مست عشق» را برای طراحی پوستر تماشا کردم. اما متأسفانه ما اکنون در اغلب پوسترهای سینمایی چیزی از خود فیلم نمی‌بینیم و صرفاً چهره‌های مطرح روی پوستر قرار می‌گیرند. انگار به‌نوعی توجه به جنبه‌های هنری پوستر موردغفلت واقع می‌شود.

مولفه‌های یک پوستر خوب

محمد تقی‌پور، طراح پوستر، یکی از افرادی است که در صفحه مجازی خود نسبت به کیفیت پایین این طراحی واکنش نشان داد و اعلام کرد که طراحی پوستر این فیلم ابتدا به او پیشنهاد شده بود، اما به‌دلایلی این کار به سرانجام نرسید. برای درک این نکته که یک پوستر خوب باید چه نکات و استانداردهایی را در خود داشته باشد، با این طراح صحبت کردیم و او عنوان کرد: طراحی پوستر فیلم، یک وظیفه‌ای بر گردن طراح دارد، زیرا اولین مسئولیتی که پوستر دارد این است که نظر مخاطبان را جلب کند. ما زمانی که در طراحی پوستر فیلم فاکتورهای فنی و محتوایی لازم را رعایت کنیم، این‌ها به‌درستی کنار هم قرار می‌گیرند و مانند اجزای یک ماشین، بهره‌وری لازم را به ما خواهند داد. اگر در نهایت هرکدام از این قطعات دچار مشکل شوند، از میزان تأثیرگذاری آن پوستر کاسته می‌شود. رعایت نکات مختلفی مانند ترکیب‌بندی و ساختار، استفاده به‌اندازه و به‌جا از عناصر بصری، چیدمان مناسب متن، توجه به ایده و از طرفی توجه به محتوای فیلم و انتقال تِم‌سفر فیلم به پوستر، از نکاتی است که باید در طراحی پوستر یک‌فیلم موردتوجه قرار بگیرد.

چهره

حکم عجیب خواننده معترض



امیر رزاییان وکیل توماج صالحی، خواننده بازداشتی در ایران خبر از صدور حکم اعدام به اتهام افساد فی الارض برای موکلش داد و اخبار منتشر شده مبنی بر عفو او را تکذیب کرد. طبق گفته این وکیل شعبه یک دادگاه انقلاب اصفهان اتهامات اخلال در نظم عمومی، نشر اکاذیب و دعوت به آشوب از طریق جرائم رایانه‌ای را نیز در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ دانسته و حکمی برای این اتهامات صادر نکرده است. این دادگاه همچنین برای اتهامات ارتباط با دول متخاصم و توهین به رهبری، قرار موقوفی تعقیب صادر کرده است. دلیل این مهم، صدور حکم برائت از این اتهامات در حکم قبلی همین دادگاه است. رئیس‌ان عنوان کرد: این دادگاه در حکم خود قید کرده که از کمیسیون عفو درخواست «یک درجه تخفیف»، با توجه به «جوانی» متهم را دارد. این در حالی است که دادگاه بدوی، امکان قانونی این را داشت که باتوجه به احراز کیفیات مخففه، حکمی جز اعدام برای توماج صالحی صادر کند، ولی این کار را نکرده و صرفاً قید کرده که از کمیسیون عفو درخواست یک‌درجه تخفیف دارد.

کتابخانه

سکوت و پابندی در آثار کامو

کتاب «زندگی‌ای که ارزش زیستن دارد»، نوشته رابرت زارتسکی، با ترجمه محمدرضا عشوری در ۲۱۶ صفحه با قیمت ۱۵۰ هزار تومان، توسط نشر ققنوس منتشر شد. کتاب «زندگی‌ای که ارزش زیستن دارد»، به دو موضوع کمتر دیده شده در آثار کامو می‌پردازد: «سکوت» و «پابندی». سکوتی که بر اثر حضور ساکت و خاموش مادر در آثار کامو، بازتاب یافته و تنها آرزوی کامو این بود که کاش مادرش می‌توانست هرآنچه نوشته، بخواند. فصل «پابندی» اما به تأثیر پدر در زندگی کامو اشاره دارد، پدری که او فرصت نکرد هیچ‌وقت بشناسدش اما در تمام عمر به تنها آموزه او پایبند ماند؛ پابندی به انسان و ذات انسانی. کامو به این جمع‌بندی رسیده بود که شرافت حرفه نویسندگی «همیشه ریشه در دو تعهد دشوار خواهد داشت: امتناع از دروغویی درباره آنچه می‌دانیم و ایستادگی در برابر بیداد.»



زندگی‌ای که ارزش زیستن دارد
نویسنده:
رابرت زارتسکی
مترجم:
محمدرضا عشوری
انتشارات:
ققنوس

تاریخ

اخطار انگلستان، استعفاي علاء



روابط ایران و انگلستان از پس تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران رو به وخامت گرایید. در نهایت ۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰، دولت انگلستان به ایران اخطار داد که پافشاری در اجرای قانون ملی کردن نفت عواقبی بس ناگوار برای این کشور در بر خواهد داشت. پس از این اخطار حسین علاء از نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد و فضایی از ابهام بر کشور چیره شد. باین‌همه در کمال ناباوری، روز بعد مجلس به نخست‌وزیر شدن محمد مصدق ابراز تمایل کرد و او نیز بر اجرای قانون ملی شدن نفت، برقراری حکومت قانون، رعایت آزادی‌ها و حقوق انسانی ایرانیان، اصلاح قانون انتخابات، آزادی زندانیان سیاسی، اصلاح امور اداری - قضایی و انتصابات بر پایه کارشناسی و شایستگی و قطع هرگونه اعمال نفوذ و توصیه و تشبیب (پارتی‌بازی) در دولت خود تأکید کرد. نکته قابل توجه اینکه ساعاتی پیش از نخست‌وزیر شدن دکتر مصدق، انبار مهمات ارتش در فارس منفجر شد و یک‌سوم کل اسلحه و مهمات ایران از جمله شصت‌هزار تفنگ و توپ از دست رفت. روزنامه‌های ملی‌گرای ایرانی این اتفاق را با عبارت «اشاره لندن به خائن وطن» بازتاب دادند.